

## تقریر دوم از دور:

مرحوم خوبی از مرحوم نائینی به گونه ای دیگر «دور» را نقل کرده است، در تقریر اول وجود مقدمه و ذی المقدمه بر یکدیگر متوقف بودند و در این تقریر سخن از توقف وجوب است.<sup>۱</sup>

«فلان مرد هذا القول إلى كون الواجب النفسيّ مقدّمة للمقدّمة لفرض ان ترتب وجوده عليها قد اعتبر قیداً لها، و علی هذا یلزم كون وجوب الواجب النفسيّ ناشئاً من وجوب المقدمه و هو یستلزم الدور، فان وجوب المقدمه علی الفرض انما نشأ من وجوب ذی المقدمه فلو نشأ وجوبه من وجوبها لدار.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. واجب نفسی (ذی المقدمه) مقدمه است برای مقدمه، چراکه:
۲. تا ذی المقدمه حاصل نشود، موصلیت محقق نمی شود و لذا ذی المقدمه قید برای مقدمه است (یعنی به سبب اینکه قید واجب غیر است، وجوب غیر می یابد)
۳. پس وجوب ذی المقدمه ناشی از وجوب مقدمه است (یعنی به سبب اینکه قید واجب غیر است، وجوب غیر می یابد)، در حالیکه وجوب مقدمه ناشی از وجوب نفسی ذی المقدمه است.

ما می گوئیم:

۱. این همان سخن مرحوم آخوند است که می فرمود لازمه مقدمه موصله آن است که ذی المقدمه هم وجوب غیر پیدا کند و هم وجوب نفسی و همان جا گفتیم برخی این مطلب را به لزوم دور برگردانده بودند.
۲. مرحوم خوبی خود به این مطلب پاسخ داده است.

«فیرد علیه ان الوجوب النفسيّ المتعلق بذی المقدمه غیر ناش من وجوب المقدمه کی یتوقف اتصافه به علی وجوبها. نعم الواجب النفسيّ علی هذا بما انه مقدمه للواجب الغیری بما هو كذلك فبطبیعة الحال یرض علیه الوجوب الغیری علی نحو الترتب الطبعی بمعنی ان الواجب أولاً هو ذو المقدمه

۱. اجود التقریرات، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. محاضرات فی أصول الفقه (طبع دار الهادی)، ج ۲، ص ۴۱۳.



بوجوب نفسی، ثم مقدمته بوجوب غیری، ثم أيضاً ذو المقدمة لكن بوجوب غیری، و علیه فلا يلزم الدور من اختصاص الوجوب بخصوص المقدمة الموصلة، و انما يلزم اجتماع الوجوب النفسی و الغیری فی شیء واحد و هو ذو المقدمة و هذا مما لا محذور فيه أصلاً، حیث ان مرده إلى اندکاک أحدهما فی الآخر و صیورتهما حکماً واحداً أكداً.»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش ایشان آن است که، هر یک از این دو وجوب ناشی از دو عنوان متفاوت است که در یک شیء واحد جمع شده اند و اجتماع دو عنوان با دو حکم موافق ضرری ندارد (الا اینکه بگوئیم اجتماع مثلین است که بحث مربوطه را در بحث از اجتماع امر و نهی و تعلق آنها به دو عنوان متفاوت است مطرح کرده ایم)

۲. محذور اجتماع مثلین را مرحوم اصفهانی مورد اشاره قرار داده است و از آن پاسخ می دهند: «و أما محذور ترشّح الوجوب الغیری إلى الوجوب النفسی، فهو واضح، و محذوره اجتماع المثلیین فی الواجب النفسی، و حاله حال الواجب النفسی الذی یکون مقدّمة لواجب آخر، فکلّ ما هو الجواب فی غیر المقام فهو الجواب هنا من التأكّد و نحوه.»<sup>۲</sup>

۳. اشکال دور و جواب آن در کلام مرحوم اصفهانی نیز مطرح است:

«و أما ما یقال: من أنّ وجوب المقدّمة منبعث عن وجوب ذیها، فلو کان ذوها مأخوذاً فیها لزم انبعث وجوب ذی المقدّمة من وجوب المقدّمة، فیلزم الدور، فهو غیر صحیح فی نفسه؛ لأن وجوب المقدّمة معلول لوجوب ذیها نفسیاً، فلا مانع من ترشّح وجوب غیری من وجوب المقدّمة إلى ذیها زیادة علی الوجوب النفسی؛ فالوجوب العلیّ غیر الوجوب المعلولی.»<sup>۲</sup>

۱. محاضرات فی أصول الفقه (طبع دار الهادی)، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲. نهاية الدراية فی شرح الکفاية، ج ۲، ص ۱۴۲.



٤. حضرت امام هم به این تقریر اشاره کرده و به آن پاسخ داده اند:

«و أمّا تقریر الدور بأنّه یلزم بناء علیه أن یكون الواجب النفسیّ مقدّمة للمقدّمة واجبا بوجوب ناشئ من وجوبها، و هو یستلزم الدور، لأنّ وجوب المقدّمة ناشئ من وجوب ذی المقدّمة، فلو ترشّح وجوب ذی المقدّمة من وجوبها لزوم الدور. ففیه ما لا یخفی لأنّ وجوب ذی المقدّمة الناشئ منه وجوب المقدّمه لم ینشأ من وجوب المقدّمة حتّى یدور.»<sup>١</sup>



١. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ١، ص ٣٩٣.

